

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

تذکر: هر کدام از این بحث ها گنجایش یک پایان نامه یا مقاله را دارد و از طرفی هم نمی شود خیل معطل شد لذا شما باید کمک کنید و مطالعات جنبی گسترده ای داشته باشید.
مفهوم شناسی، هویت شناسی تزام و فرق تزام با تعارض:

تتبع:

محقق نائینی می فرماید هم در تعارض هم در تزام دوتا حکم نمی توانند اجتماع کنند و مکلف گیر دارد. مثال برای تعارض: وجوب اقامه ی حدود در عصر غیبت که مقتضای برخی ادله است و حرمت اجرای حدود در عصر غیبت که این هم مقتضای برخی ادله است در این جا نمی شود که هم اجرای حدود واجب باشد و هم حرام باشد و این دو حکم با هم تعارض دارند فرقی نمی کند که بین دو حکم تضاد (وجوب و حرمت) باشد یا تناقض (وجوب و عدم وجوب) باشد. مثال برای تزام وجوب ادای دین و وجوب صلاة یا حرمت شکستن صلاة و ...

اما وجه افتراق این دو این است که در تعارض مشکل در جعل است، در تقنین است، در ثبوت است و فی نفس الامر مشکل دارد مثل همان مثال اول که شارع نمی تواند هم وجوب اجرای حدود در عصر غیبت را جعل کرده باشد و هم حرمت آن را اما در تزام اینچنین نیست و بین دو حکم کمال ملائمت وجود دارد مثلا شارع فرموده است هرکس نماز بر او واجب شد باید بخواند و از طرف دیگر فرموده است دینتان را ادا کنید. حکم ها با هم ناهمسو نیستند ولی بعد که حکم فعلی شد (آقای نائینی زمانی حکم را فعلی می داند که موضوعش فعلی شود) وقتی خارجا موضوع محقق شد مکلف قدرت جمع را ندارد.

پس در تعارض مشکل جعل شارع است به عبارت دیگر در تعارض یک متعلق است با دو حکم اما در تزام دو متعلق است و دو حکم.

مرحوم آقای نائینی بعد از این تفریق (البته اول ایشان تزام را معنا کرد و بعد تفاوتش را با تعارض بیان کرد) این بحث ها را بنیان قرار می دهد برای رد یک اندیشه، البته اندیشه را خوب بیان نمی کند و صاحب آن را هم بیان نمی کند.
پس آقای نائینی منشأ تزام را عدم قدرت مکلف بر جمع بین دو حکم (ناسازگاری حکمین) گرفت به عبارت دیگر منشأ تزام را تزام حکمین دانست که این حکمین در مقام امتثال با هم تزام کرده اند و ایشان هیچ اشاره ای به بحث ملاکات نمی کند و منشأ تزام را تزام ملاکات نمی داند اما مرحوم آقای آخوند (البته در کفایه در یک جا بیان نشده است) در تزام گفته منشأ تزام این است که دو تا حکم ملاک دارند، مقتضی دارند و می خواهد فرق بگذارد بین تزام و تعارض چون در تعارض حکمین اقتضا ندارد یعنی نمی شود هم وجوب اجرای حدود اقتضا داشته باشد، ملاک داشته باشد و هم حرمت اجرای حدود.

پس در تعارض یکی از دو حکم ملاک دارد و یکی ندارد (البته ممکن است که هیچ کدام نداشته باشد) اما در تزام هر دو ملاک دارد هم نجات این بچه ملاک دارد و هم نجات آن بچه لذا آقای آخوند در مواضع متعدد می فرماید در تزام ملاکین مقتضی جعل باهم دارند به عبارت دیگر هر دو ملاک دارند ولی مکلف نمی تواند جمع کند ولی در تعارض این طور نیست. آقای نائینی می فرماید منشأ تزام تزام حکمین است. ادبیات فقه ما به دنبال حکم است و کاری به ملاک ندارد، ایشان می گوید طرح ملاک

اشتباه هست و ما کاری به ملاک نداریم بلکه بحث بر روی دو حکم است.
توضیح: حرف آقای نائینی این است که تزامم ملاکین کار مکلف نیست بلکه تزامم ملاکین را شارع باید قبل از جعل دنبال کند.
ما باید دنبال اجتماع حکمین یا عدم اجتماع حکمین باشیم اگر دوتا حکم باشد می شود تزامم و اگر یک حکم باشد که بین دو حکم مردد است می شود تعارض.

بررسی اجمالی: اگر آقای آخوند نظرش به فرق بین تعارض و تزامم آن هم با توجه به اجتماع دو حکم و یک حکم باشد حرف آقای نائینی درست است ولی مرحوم آخوند منکر جایی که شارع در قانونگذاری قبل از جعل حکم کسر و انکسار می کند نیست. یعنی ایشان تزامم بعد از جعل شارع را بیان می کند ممکن است بگوییم خوب بود ایشان دست روی تزامم حکمین می گذاشت نه تزامم ملاکین.